

مقایسه استعاره در زبان ادب و زبان خودکار

چکیده

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از اندیشه‌های زبان‌شناسان به‌ویژه معنی‌شناسان شناختی، توصیف و مقایسه‌ای دقیق از استعاره‌ها در زبان خودکار و زبان ادب به عمل آمده است. نویسنده مقاله قصد دارد با انگیزه سامان بخشیدن به نظریات و فرضیات مطرح شده در این زمینه تصویری کلی از انواع استعاره، ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها

استعاره، مقایسه، استعاره‌های آشکار و مخفی، زبان خودکار و زبان ادب، استعاره‌های تصویری و غیر تصویری.

مقدمه

استعاره یکی از فرایندهای ذهنی-زبانی است که در علوم مختلف از جمله زبان‌شناسی و به‌ویژه توسط معنی‌شناسان شناختی، مورد توجه قرار گرفته است. دیدگاه و نظریات معنی‌شناسان شناختی، تحولات عظیمی در دیدگاه‌های سنتی نسبت به استعاره پدید آورد و استعاره دیگر نه به عنوان ابزاری برای آفرینش زیبایی‌های ادبی و نه نماد کذب، بلکه ابزاری برای اندیشیدن، و درک و شناخت مفاهیم انتزاعی معرفی شد.

استعاره، کاربردها و عملکردهای متنوعی هم در زبان خودکار و هم در زبان ادب دارد. از یک سو، ابزاری برای آفرینش زیبایی در زبان ادب و از سوی دیگر، وسیله‌ای برای درک و شناخت مفاهیم انتزاعی در زبان بشری است، این تنوع و گستردگی کاربرد استعاره از ذهن تا زبان و از زبان ادب تا زبان خودکار، زمینه‌ساز طرح نظریات و فرضیات مختلف و حتی متضاد اندیشمندان علوم مختلف شد.

پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به چند پرسش شکل گرفته است. الف- میان استعاره در زبان خودکار و زبان ادب چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

ب- آیا می‌توان تقسیم‌بندی دقیق‌تری از انواع استعاره در «زبان» ارائه داد که همه نمونه‌های استعاری و دیدگاه‌ها و نظریات مختلف پذیرفته شده موجود را در خود جای دهد؟

در روش نمونه‌گیری استعاره از زبان خودکار، نگارنده بدون توجه به جنسیت و سن و طبقات اجتماعی، بیش از ۴۰۰ نمونه استعاری را گردآوری کرد. تلاش نگارنده بر آن بود که به نمونه‌های گردآوری شده جامعه زبانی خود (شهرستان ساری) اکتفا نکند و در این مسیر، از منابعی که نمونه‌های استعاری از زبان خودکار در آن‌ها وجود داشت، بهره گرفت (کتاب معنی‌شناسی

خسرو عباسی

کارشناس ارشد

زبان‌شناسی و دبیر

ادبیات دبیرستان‌ها و

مراکز پیش‌دانشگاهی

ساری

صفوی، فرهنگ زبان مخفی سمائی و پایان‌نامه سیفالهی و مشعشی). در این بخش سعی بر آن بود که توصیفی از مهم‌ترین اصطلاحات به کاررفته در پیکره پژوهش حاضر ارائه شود. مهم‌ترین این اصطلاحات عبارت‌اند از:

زبان ادب: زبان در این حوزه ابزاری برای خلق و آفرینش زیبایی و بازآفرینی جهان هستی است. به عبارت دیگر، ادبیات به‌عنوان یک نظام مستقل نشانه‌شناختی، نظامی است جدا از زبان که خود از نشانه‌های معنایی (و نه آوایی) و انگیزه (و نه دلخواهی) ساخته شده است و (نه برای ارتباط و انتقال پیام بلکه) برای خلق زمینه‌ها و فضاهایی به کار می‌آید که خواننده چون در آن فضاها قرار بگیرد، خود به آفرینش پیمایی در مایه پیام شاعر و نویسنده می‌پردازد (حق‌شناس، ۱۳۷۳: ۱۰۶).

زبان خودکار: زبان ابزار شناخت هستی است، بدان‌گونه که هست. ابزاری برای اندیشیدن و ایجاد ارتباط و انتقال پیام. زبان خودکار، خود یک هنر است ولی زبان ادب انحراف از مؤلفه‌های هنر زبان. (صفوی، ۱۳۸۰: ۶۰-۵۳) مرز قاطعی میان زبان خودکار (زبانی که به صورت روزمره به کار می‌رود) و زبان برجسته (زبان ادب)، که در اصل زبان تحت تسلط نقش شعری است، وجود ندارد (همان: ۲۷۱).

توصیف استعاره در زبان ادب و زبان خودکار

به اعتقاد شمیسا، مجاز به علاقه شباهت مهم‌ترین نوع مجاز در ادبیات است و به آن مجاز بالاستعاره یا استعاره می‌گویند.

(شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۷-۱۶)
بر این اساس به اعتقاد قدمای علوم بلاغی، مجاز به علاقه شباهت (یا همان استعاره) و تشبیه، مختص زبان ادب هستند و نمونه مثال‌های در این زمینه هم فقط از زبان ادب ارائه می‌گردد. این نوع نگرش به استعاره نه تنها در میان مسلمانان و به‌ویژه ایرانیان رواج داشته بلکه در سنت مطالعه استعاره در میان غربیان، که به ارسطو بازمی‌گردد، نیز مطرح بوده است. ارسطو استعاره را شگردی برای هنر آفرینی می‌دانست و معتقد بود که استعاره ویژه زبان ادب است و به همین دلیل نیز باید در میان فنون و صناعات ادبی مورد بررسی قرار گیرد. این همان نگرش کلاسیک به استعاره است که تا به امروز رواج داشته است. (صفوی ۱۳۷۹: ۲۸۶)

در آثار بلاغی سنتی، استعاره، از یک سو با تشبیه و از دیگر سو با مجاز مرتبط است. از دیدگاه سنتی، استعاره مختص آثار ادبی (شعر و نثر ادبی) است ولی از دیدگاه زبان‌شناختی، استعاره فراتر از آثار ادبی، مختص زبان بشری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نگرش

رمانتیک، استعاره به زبان ادب محدود نمی‌شود بلکه لازمهٔ زبان و اندیشه برای بیان واقعیات جهان خارج به حساب می‌آید، شاهدهی برای نقش تخیل در مفهوم‌سازی و استدلال محسوب می‌شود و در نتیجه، میان زبان خودکار و زبان ادب تمایزی وجود ندارد.

طبقه‌بندی داده‌ها

با توجه به تعدد نمونه‌ها، برای مقایسهٔ دقیق استعاره در زبان خودکار و زبان ادب نمونه‌های جمع‌آوری شده باید طبقه‌بندی شوند، در غیر این صورت، امکان هرگونه بررسی و نقد و تحلیل منتفی خواهد بود. بر همین اساس، ابتدا نمونه‌های استعاری را از لحاظ کاربرد به کاربرد استعاره در زبان خودکار و کاربرد استعاره در زبان ادب تقسیم کردم و سپس نمونه‌ها را در دو دستهٔ استعاره آشکار (مصرّحه) و استعارهٔ مخفی (مکتبه یا بالکنایه) قرار دادم. نمودار (۱) تصویری کلی از تقسیم‌بندی استعاره

۱-۱ آشکار

تصویری الف - در زبان خودکار

۱-۲-۱ تصویری ۲-۱ مخفی

۱-۲-۱ غیرتصویری استعاره

۱-۲ آشکار تصویری

ب - در زبان ادب ۲-۲ مخفی

تصویری

الف - استعاره در زبان خودکار

به دو دستهٔ آشکار و مخفی تقسیم می‌شود؛

الف ۱- استعارهٔ آشکار

در این نوع استعاره، «مشبه» حذف می‌شود و «مشبه‌به» به جای آن به کار می‌رود.

بار معنایی بیشتر نمونه‌های استعاری این بخش، منفی است و همچنین محدودیتی در کاربرد «مشبه و مشبه‌به» مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، «مشبه» بیشتر نمونه‌ها، و «مشبه‌به» آن‌ها در شش دستهٔ کلی جای می‌گیرند:

الف - مواردی که «مشبه» انسان و «مشبه‌به» یکی از حیوانات است. برای نمونه؛ گاو، خر، میمون...

* باز این کلاغه اومد و سروصدا را شروع کرد. (کلاغه + فرد بدصدا و پرحرف)

ب - مواردی که «مشبه» انسان و «مشبه‌به»، یکی از حوادث طبیعی یا بیماری‌هاست؛ از جمله؛ زلزله، وبه، زگیل، سرطان، غده، تاول و...

پ - نمونه‌هایی که در آن‌ها «مشبه» انسان و «مشبه‌به» یکی از گیاهان، میوه‌ها یا سبزیجات است؛ از بادمجان، هلو، لبو، نی قلیان، کدو تنبل، سیب‌زمینی، شلغم، لیمو و...

ت - نمونه‌هایی که «مشبه» انسان و «مشبه‌به» یکی از تولیدات یا ساخته‌های بشری است؛ از جمله؛ آنتن، رادار، تابلو، بوق، مترسک، ضبط صوت، مجسمه، بلدوزر، کامپیوتر، دیکشنری، آچارفرانسه، * کسی با آنتن حرف نمی‌زنه. (سمائی، ۱۳۸۲: ۲۳) (آنتن = فرد جاسوس یا خبرچین)

ث - مواردی که «مشبه» انسان و «مشبه‌به» می‌تواند هریک از نمونه‌های زیر (افراد یا موجودات شناخته شده) باشد؛ ابن ملجم، یزید، شمر ذوالجوشن، زینب بلاکش، چتر باز.

ح - مواردی که «مشبه» ماشین و «مشبه‌به» سرطان، لگن، جاروبرقی، جاصابونی، و... است؛

* آقا، لطفاً لگنت را از این جا ببر. (لگن = ماشین)

الف ۲- استعارهٔ مخفی

در مطالعات ادبی سنتی، به تشبیه‌هایی که «مشبه‌به» حذف گردیده و «مشبه» به همراه یکی از لوازم یا ویژگی‌های «مشبه‌به» به کار رود، استعارهٔ بالکنایه یا مکتبه یا کنایی می‌گویند. (شمیسا، ۶۴-۶۲: ۱۳۷۸)

در برخورد اولیه، با دو نوع استعاره مواجهیم؛

الف ۱-۲-۱ استعاره‌های تصویری

استعاره‌هایی که حوزه‌های مبدأ (مشبه‌به) و حوزه‌های مقصد (مشبه) کاملاً تصویری دارند که می‌توان آن‌ها را استعاره‌های تصویری دانست. نگارنده این گونه استعاره را استعارهٔ مخفی نام‌گذاری کرد. این دسته از استعاره‌ها با هدف برجسته‌سازی (بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی) جنبه یا جنبه‌هایی از حوزهٔ مبدأ (مشبه) یا عینی‌تر ساختن آن شکل می‌گیرند. مثال:

* به خاطر کار زیاد آب و روغن قاطی کرد.

(آب و روغن) قاطی کردن = ضعیف و بیمار شدن.

* آمپرش رفت بالا.

هم «مشبه و مشبه‌به»، که به ترتیب انسان و ماشین‌اند، کاملاً تصویری هستند.

الف ۲-۲ استعاره‌های غیر تصویری

نوع دیگر استعاره‌هایی هستند که از حوزهٔ مبدأ (مشبه‌به) و حوزهٔ مقصد (مشبه) آن‌ها نمی‌توان تصویری به دست داد. در واقع، هر دوی آن‌ها مفاهیمی کلی هستند مبنایی تصویری دارند و ما آن‌ها را استعاره‌های غیرتصویری نام‌گذاری کرده‌ایم (۲-۱-۲). طرح‌واره‌های جانسون و استعاره‌های مفهومی مطرح شده از سوی لیکاف در قالب این دسته از استعاره‌ها قابل توصیف‌اند. (عباسی، ۱۳۸۳: ۷۹-۷۸)

الف - روساخت تشبیهی ندارند؛ یعنی، در قالب جملهٔ تشبیهی معرفی نمی‌شوند.

ب - هدف این نوع استعاره‌ها، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی یا به طور کلی، برجسته‌سازی نیست.

پ - در این استعاره‌ها، جانشینی معنایی مطرح نیست؛ در نتیجه، کاربرد آن‌ها به چندمعنایی منجر نمی‌شود.

ت - این نوع استعاره‌ها، ابزاری برای شناخت یک حوزه بر مبنای حوزهٔ دیگرند.

بسیاری از مفاهیم انتزاعی را به کمک «درجه‌بندی، حجم و حرکت بخشیدن» شناسایی و درک می‌کنیم. مثال:

* توی زندگی‌اش موفق نبود. * این قدر تو فکر نرو.

برای زندگی و فکر، حجم در نظر گرفته شده است که هر دو از مفاهیم کلی و انتزاعی‌اند.



در نمونه‌های زیر، زمان (لحظه و فرصت) که از مفاهیم کلی و انتزاعی است، به کمک درجه‌بندی و حرکت بخشیدن قابل درک شد. * لحظه‌ها خیلی سریع می‌گذرد. * فرصت خیلی کم است.

ب - استعاره در زبان ادب

استعاره در زبان ادب نیز به دو دسته آشکار و مخفی تقسیم می‌شود؛
ب ۱- استعاره آشکار

در این بخش، در استعاره‌هایی که از زبان ادب معرفی می‌شوند، «مشبه» و «مشبه‌به» کاملاً تصویری هستند. هدف این نوع استعاره‌ها، برجسته‌سازی، کوچک‌نمایی و درنهایت، زیبایی‌آفرینی است. در آن‌ها نسبت به استعاره‌های آشکار در زبان خودکار، محدودیتی در انتخاب «مشبه و مشبه‌به» مشاهده نمی‌شود و از بار عاطفی مثبت نیز برخوردارند.

* ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و آوزا نیامد^۱
 (سعدی)
 الف - مرغ سحر (بلبل) = استعاره از مدعیان عشق الهی
 ب - پروانه - عاشق واقعی (عارف)
 * صبح، دو مرغ رها / بی‌صدا / صحن دو چشمان تو را ترک کرد.^۲ (همان: ۹۱)

دو مرغ رها = استعاره از روشنایی چشمان جانباز
 از دیدگاه سنتی، بیت زیر نمونه‌ای از مثل (ضرب‌المثل) است، در حالی که باید آن را جزء استعاره‌های آشکار دانست.

* توستی کردم ندانستم همی
 کز کشیدن تنگ تر گردد کمند^۳
 (رباعه کعب قزازی)
 مصراع دوم، استعاره از «تلاش بسیار، نتیجه معکوس» دارد.

ب ۲- استعاره مخفی

در این نوع استعاره‌ها (برعکس استعاره‌های آشکار) «مشبه‌به» حذف می‌شود. شاعر یا ادیب با هدف برجسته‌سازی جنبه یا جنبه‌هایی از حوزه مقصد (مشبه) و عینی‌تر ساختن آن و در نهایت زیبایی‌آفرینی، به الگوبرداری از حوزه مبدأ (مشبه‌به) دست می‌زند. این نوع استعاره‌ها در زبان ادب کاملاً تصویری هستند و بیشتر آن‌ها شیوه‌های جدیدی از نگریستن به مفاهیم و پدیده‌ها تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، بیشتر آن‌ها بر پایه تجارب شخصی شکل می‌گیرند نه تجارب جمعی.

ساخت‌های استعاری (به جز ساخت اسمی) سیفالهی (سیفالهی، ۱۲۸۲: ۱۵۸ - ۱۰۲) و «استعاره اصلیه و تبعیه» شمیسا و بسیاری از کنایه‌ها در این حوزه از نمونه‌های استعاری جای می‌گیرند.

* با چشم‌های عاشق بیا / تا جهان را تلاوت کنیم.^۴
 جهان به قرآن تشبیه شده که تلاوت می‌گردد.

* با چشم یک دل ابری، دو چشم بارانی
 پراست خلوتم از یک حضور نورانی^۵

دل و چشم به آسمان تشبیه شده‌اند که ابری و بارانی هستند یا ابری و بارانی بودن در معنای استعاری غمگین و گریان بودن آمده و هر دو به شکل صفت به کار رفته‌اند.

نمونه‌هایی از تجریدگرایی را نیز می‌توان در این حوزه معرفی کرد که در زبان خودکار مشاهده نمی‌شود.

«تجریدگرایی» یعنی دادن مشخصه معنایی [+مجرد] به واژه‌ای که در نظام معنایی زبان در نقش ارجاعی دارای مشخصه معنایی [+ملموس] است. (نمونه ۲۸)

* پیکر او لیک سایه - روشن رؤیاست^۶ (سپهری)
 پیکر به سایه روشن روپا (که چیزی ذهنی است) تشبیه شده است.

نتایج حاصل از پژوهش

الف - برحسب حذف «مشبه یا مشبه‌به»، استعاره‌ها به دو دسته استعاره‌های آشکار و مخفی تقسیم می‌شوند. به عبارت ساده، استعاره آشکار با حذف «مشبه» و استعاره مخفی با حذف «مشبه‌به» شکل می‌گیرد.

ب - برحسب تصویری و غیرتصویری بودن «مشبه و مشبه‌به»، استعاره‌ها به دو دسته تصویری و غیرتصویری تقسیم می‌شوند. گفتنی است در استعاره‌های تصویری، مشبه یا مشبه‌به یا هر دو کاملاً تصویری و عینی هستند، در حالی که در استعاره‌های غیرتصویری، حوزه‌های مبدأ (مشبه‌به) و حوزه‌های مقصد (مشبه) مفاهیم غیرتصویری و انتزاعی هستند.

پ - استعاره تصویری به چند معنایی واژگان می‌انجامد. ساخت‌های استعاری الگوهای شناختی آرمانی شده، عملکرد نشاننداری التزامی در ساخت استعاره، افزایش و کاهش معنایی انواع استعاره‌های مطرح شده در کتب بلاغی، حس آمیزی‌ها، نمادها (سمبل‌ها)، تمثیل‌ها و مثل‌ها و بسیاری از کنایه‌ها، در این حوزه می‌گنجند.

ت - بسیاری از استعاره‌های مخفی تصویری، هم در زبان خودکار و هم در زبان ادب، در مرحله نخست در قالب استعاره‌های آشکار قابل بازسازی، و در مرحله بعد، از منظر استعاره‌های آشکار قابل تحلیل‌اند؛ به عبارت دیگر، آن‌ها را می‌توان استعاره‌های آشکار هم در نظر گرفت. ت - استعاره‌های غیرتصویری روساخت تشبیهی ندارند و مختص زبان خودکارند.

ج - می‌توان به وجود پیوستاری میان استعاره‌های تصویری و غیرتصویری قائل شد که بر روی این پیوستار با نزدیک شدن به قطب استعاره‌های تصویری، از میزان جهانی بودن ساخت‌های استعاری کم می‌شود. این در حقیقت همان چیزی است که لیکاف از آن با عنوان الگوهای شناختی آرمانی شده نام می‌برد. در مقابل، با نزدیک شدن به قطب استعاره‌های غیرتصویری بر میزان جهانی بودن ساخت‌های استعاره افزوده می‌شود.

در واقع، این همان چیزی است که لیکاف از آن با عنوان استعاره عام «ساختار رویداد» یاد می‌کند.

چ - استعاره‌های زبان خودکار اغلب زودیاب و همسو با تجارب جمعی‌اند، در حالی که استعاره‌های زبان ادب دیریاب و مبتنی بر تجارب فردی هستند.

ح - استعاره‌های آشکار در زبان خودکار و زبان ادب تصویری‌اند. خ - استعاره‌های آشکار در زبان خودکار ویژگی‌های زیر را دارند:

خ ۱. در ساخت استعاره‌ها به لحاظ کاربرد «مشبه و مشبه‌به» محدودیت وجود دارد.

خ ۲. قابل ذکر است که چون در این دسته از استعاره‌ها، پیوند میان «مشبه و مشبه‌به» آشکار است، این نوع استعاره‌ها زودبای می‌شوند، به عبارت دیگر، همگان می‌دانند که استعاره در مورد چه کس یا چه چیزی به کار رفته است.

خ ۳. این دسته از استعاره‌ها اغلب بار معنایی منفی دارند؛ هرچند در میان نمونه‌های جمع‌آوری شده از زبان خودکار، نمونه‌های استعاری با بار معنایی مثبت نیز مشاهده شد. دوازده توجه به استعاره‌های آشکار در زبان ادب چنین برمی‌آید که: ۱. محدوده مشخصی را برای انواع «مشبه و مشبه‌به» در ارتباط با این دسته از استعاره‌ها نمی‌توان در نظر گرفت.

د ۲. این دسته از استعاره‌ها دیربایبند. د ۳. این دسته از استعاره‌ها اغلب بار معنایی مثبت دارند؛ هرچند می‌توان به استعاره‌های آشکاری با بار معنایی منفی نیز در آن‌ها اشاره کرد.

ذ - استعاره‌های مخفی در زبان خودکار به دو دسته استعاره‌های تصویری و غیر تصویری قابل تقسیم‌اند. طرح‌واره‌ها و استعاره‌های شناختی (= مفهومی / غیر تصویری) در حوزه استعاره‌های مخفی غیر تصویری می‌گنجند.

ر - میان طبقات مختلف استعاره - استعاره‌های تصویری و غیر تصویری، استعاره‌های آشکار و مخفی، استعاره‌های زبان خودکار و زبان ادب - مرزبندی قاطعی وجود ندارد و ارتباط میان این استعاره‌ها، پیوستاری است. ز - تجریدگرایی فقط در زبان ادب به چشم می‌خورد.

ژ - تعریف پیشنهادی در مورد استعاره

استعاره: یکی از نمودهای فرایند الگوبرداری ذهنی است که در این فرایند، ذهن به الگوبرداری از حوزه مبدأ برای شناخت یا برجسته‌سازی و... حوزه مقصد می‌پردازد. استعاره به عنوان ابزاری برای شناخت و اندیشیدن در زبان خودکار (استعاره‌های غیرتصویری) و هم ابزاری برای خلق و آفرینش ادبی و برجسته‌سازی در زبان ادب و زبان خودکار (استعاره‌های تصویری) به کار گرفته می‌شود.

استعاره غیرتصویری: فرایندی ذهنی - زبانی است که طی آن با الگوبرداری از حوزه مبدأ دست به شناخت و درک حوزه مقصد (مفاهیم انتزاعی) می‌زنیم. استعاره غیرتصویری به عنوان ابزاری برای اندیشیدن به کار گرفته می‌شود که هیچ نقشی در آفرینش ادبی ندارد. استعاره تصویری: فرایندی ذهنی - زبانی است که به کمک الگوبرداری از حوزه مبدأ (مشبه‌به) با هدف برجسته‌سازی، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی و... حوزه مقصد (مشبه) در قالب واحدهای زبانی اسم، صفت، قید، فعل و جمله (ساخت) نمود می‌یابد. استعاره‌های تصویری عمدتاً در زبان شعر بازتاب می‌یابند؛ با این حال در زبان روزمره نیز ظاهر می‌شوند.

ناگفته نماند که استعاره را می‌توان هم از دیدگاه کاربرد استعاره در زبان خودکار و زبان ادب (مانند نمودار ۱) و هم از دیدگاه تصویری و غیرتصویری تقسیم‌بندی کرد.

پی‌نوشت

۱. ادبیات فارسی (۵) به استثنای ادبیات و علوم انسانی، جمعی از مؤلفان، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران ۱۳۷۸، ص ۳.
۲. همان: ۹۱.
۳. زبان و ادبیات فارسی عمومی (۱ و ۲) (دوره پیش دانشگاهی)، جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۸، ص ۴۰.
۴. ادبیات فارسی (۵) به استثنای ادبیات و علوم انسانی، جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳.
۵. همان: ۱۵۵.
۶. سپهری، سهراب، هشت کتاب، سهراب، تهران، آری، ۱۳۷۰، ص ۲۱.

منابع

۱. ابوادیب، کمال؛ «طبقه‌بندی استعاره جرجانی با اشاره خاص به طبقه‌بندی/ استعاره ارسطو»، مترجم: علی محمد حق‌شناس در مقالات ادبی - زبان شناختی، ۱۳۷۰ تهران، نیلوفر، صص (۱۱۱ - ۶۵).
۲. افراشی، آزیتا (۱۳۸۱) اندیشه‌هایی در معنی‌شناسی، فرهنگ‌کوش (صص ۷۱-۹۰).
۳. بورشه، ت و دیگران (۱۳۷۷)، زبان‌شناسی و ادبیات تاریخچه چند اصطلاح، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر مرکز.
۴. حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۳) «نظم، نثر، و شعر؛ سه گونه ادب» مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص (۱۰۶).
۵. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۳۳)، فن شعر، ارسطو، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۶. ساسانی، فرهاد (گروه مترجمان) (۱۳۸۳)، استعاره (مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی)، تهران، سوره مهر.
۷. سجودی، فرزانه (۱۳۷۹) «درآمدی بر نشانه‌شناسی شعر»، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی - ج اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، صص (۵۱۴ - ۴۹۵).
۸. (۱۳۸۲)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران، نشر قصه.
۹. شفیع‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، صور خیال در شعر فارسی، آگاه.
۱۰. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، بیان و معانی، تهران، فردوسی.
۱۱. صفوی، کورش (۱۳۸۰)، گفتارهایی در زبان‌شناسی، هرمس (صص ۱۰۵ - ۹۵).
۱۲. (۱۳۷۹)، معنی‌شناسی، تهران، سوره مهر.
۱۳. عابدی مقدم، هدی، طرح‌واره‌های تصویری در بررسی استعاره‌های زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۴. عباسی، خسرو (۱۳۸۳)، مقایسه استعاره در زبان خودکار و زبان ادب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۵. کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۷۵، بیان: زیباشناسی سخن پارسی، نشر مرکز.
۱۶. مشعشعی، پانته‌آ (۱۳۷۹)، بررسی استعاره در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، علامه طباطبائی.
۱۷. موسوی فریدنی، آزاده (۱۳۸۲)، «استعاره: از کذب تا واقعیت»، فصل‌نامه زنده‌رود، شماره (۲۹ و ۲۸)، اصفهان، صص (۹۳۵ - ۹۳۴).
۱۸. هاوکس، ترنس (۱۳۷۷)، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز.
19. Lakoff, G. (1993), "The Contemporary Theory of Metaphor", Metaphor and Thought, ed. By Andrew Ortony, Cambridge; Cambridge University Press.
20. Reddy, M. J. (1984), "The conduit Metaphor; A Case Of Frame Conflict In Our Language more About Thought", Metaphor and Thought, ed. By Andrew Ortony, pp(284-324), Cambridge; Cambridge University Press.
21. Ricoew, P. (1997), The Rule of metaphor, London, Routledge.

